

یکی از منابع ذی‌قیمت هر کشور آهنگها و ترانه های آنست نگاهی مختصر از فعالیت هنری نظام (دنیا) در مونتریا « نویسنده - استاد صباح »



از راست به چپ: وحید سرور، صباح و نظام دنیا

ابن سینا بلخی دانشمند معروف میگوید: موسیقی جزی از بدن انسان است که مانند خون در بدن آدمی جریاندارد. از این رو وی و بسیاری از اندیشمندان مریضان خود را با نوای موسیقی و آهنگهای موزون معالجه می کردند.

موسیقی واژه یونانی است که با واژه «غنا» در عربی برابر است، در رسائل «اخوان الصفا» چنین آمده است: موسیقی همان غنا و موسیقار خواننده است و موسیقات ابزار غنا و غنا آواهای ترکیب یافته و آوا نغمه‌هایی پی در پی و نغمه همان صداهاى آهنگین می‌باشد .
معین در حاشیه «برهان قاطع» می‌نویسد: موسیقی (به ضم میم) مأخوذ از Moosika یونانی یا Musica لاتینی است و ریشه missel یا mosa می‌باشد که نام یکی از نه رب النوع اساطیری یونانی و حامی هنرهای زیبا است.

موسیقی در میان هر قوم و ملت و سرزمینی ویژگی خویش را داشته و بیانگر فلسفه اخلاقی و اجتماعی و رزمی و بزمی و کار و کوشش و شیون و شادی آنان می باشد، و به زبان دیگر موسیقی آیینه تمام نمای هر قوم و ملتی است که تمام ویژگیهای آنان در آن متجلی است و سیر تعالی و یا قهقرایی در مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان از آن آشکارتر می گردد.

موسیقی، به هر نوا و صدایی گفته می شود که شنیدنی و خوش آیند باشد و انسان یا موجودات زنده را دچار تحولی کند. موسیقی (با تعریف کلاسیک) یعنی هنر بیان احساسات توسط صداها. صدا در صورتی موسیقی نامیده می شود که بتواند ارتباط میان اذهان ایجاد کند و مرزی از جنس انتزاع آن را محدود نکند. موسیقی ما نیز بسان موسیقی تمام کشور های شرقی، در روپا رویی با مدرنیته تجربه های متفاوتی را از سر گذرانده است، از آن جمله کوششی است در راستای ارائه آنبه شکلپلی فونیک. این اصل موسیقیدانان و پژوهشگران موسیقی شرق را واداشت تا راهکارهای متفاوتی را پیشنهاد و تجربه نمایند، عده ای بر این عقیده اند که با ساز های ارکسترسمفونیک می توان حس و حال موسیقی شرقی را بیان نمود.

در این راستا پژوهشگرانی نیز هستند که بر این عقیده اند که روح موسیقی شرقی را کمتر می توان با دیگر سازها، جز سازهای ملی و سازهایی که در جغرافیای فرهنگی کهن خود ریشه دارند بیان نمود، برای بیان امری ارزش های ارکستر ی کردن آنها قبل از هر چیزی می بایست اصلاحاتی در ساختار و شکل سازهای ملی و فلکولر انجام می شد تا قابلیت نواخته شدن در ارکستر را پیدا می کرد.

ما در کشور خود بیشتر با سه نوع موسیقی سروکار داریم: سنتی، کلاسیک و پاپ. البته ما از موسیقی پاپ دو نوع تعریف داریم: یکی موسیقی است که مخاطب زیادی دارد و به آن پاپ یا پاپولار می گویند (که از بتهوون تا جاستین بیلر در آن جای می گیرند) و دیگری سبکی از موسیقی است که اغلب هنرمندان مابه آن سروکار دارند. شعری که در موسیقی استفاده میشود هم میتواند حوزه تاثیر وسیعی داشته باشد. اشعار خوب و محکم به مرور زمان می توانند بر نوع گویش و حتی نوع رابطه اجتماعی مردم تاثیر بگذارند. این تاثیرگاه تا لایه های سیاسی و فرهنگی جامعه نیز رسوخ میکند و اینها همه از قدرتی است که از ترکیب شعر و موسیقی فراهم می آید.

« شکسپیر : مردی که در درون خویش موسیقی ندارد و نوای خوش و دلنشین ، او را دگرگون نسازد ،

برای خیانت ، توطئه و غارتگری مناسب می باشد و هیچ کس نباید به او اعتماد کند. »

وقتی میخواهیم از نظام دنیا صحبت نمایم اکثراً از ترانه های زیبا و دلنشین این آوازخوان جوان یاد کنیم. نظام دنیا با صدای دلنشین و گیرای خود ، شادی آفرین دلهای دوستداران هنرش گردید، دنیا مخاطبین و علاقه مندان خاص خود را داشته و به دور از اغراق جوانی است پرتلاش ، صمیمی و گرم مانند این آهنگش.

دلم را آهني كردم مبادا عاشقت گردد
ندانستم تو اي دلبر دل آهن ربا داري
دلم ربا دلت بستم به دلداري به همياري
خيال كردم توهم دلبر دل بي مدعا داري

گرفتم چون ره مجنون زرسوای نترسیدم

گمان بردم تویی ایلا صفای بی ریا داری .

این آواز خوان در کابل متولد و بزرگ شده و بعداً در اثر جنگها و کشمکشها راهی هجرت را پیش میگیرد و در اسلام آباد پاکستان غربت نشین میشود. شروع کارهای هنری نظام دنیا از اینجا آغاز میشود و با وجود مشکلات غربت و دوری مصروف فراگیری هنر موسیقی میشود و جسته و گریخته اندوخته های را از اینجا ره توشه آینده خود میگیرد و در پهلوی تدریس زبان انگلیسی دست به کارهای هنری میزند و اما شرایط ناگوار وقت بار پاکستان بزرگترین موانع برایش پیش می آورد و ناگذیر میشود که از تهیه البوم هنری صرف نظر نماید و بصورت خصوصی پارچه های را برای خود و دوستانش تهیه و کمپوز مینماید و به زبان دیگر ، این دوره آغاز غیر رسمی کار هنریش پنداشته میشود. نظام دنیا در همین دوره آرمینه و کیبورد را فرامیگیرد و در غنماندی هنری اش می افزاید. نظام آهنگی زیبایی دارد بنام مادر:

مادر تو بهترینی

خوب روی زمینی

سرتابه پالطافت

شیرین و دلنشینی -

مادر تو صبح پاکی

بهتر ز آب و خاکی

در سرزمین دوستی

خورشیدی تابناکی -

تومایه ی غروری

سرچشمه سروری

در آسمان هستی

خورشید پرزنوری.



از راست به چپ: صباح ، ولید سرور و نظام دنیا

نظام دنیا از پاکستان رهسپار کانادا شده و در شهر مونتريال مسکن گزين گرديد.

درين مدت وي دوالبوم هنري بنامهاي «شور عشق» و «نوا» راتهيه و بدستري علاقمندان آوازش گذاشته و نامبرده تا اکنون ده ها پارچه آهنگهاي ويديويي ثبت و عرضه نموده و یک تعداد آن دريوتوپ به نشر رسیده است . بانظام دنیا در قسمت تهيه موسيقي وحيد سرور وساحل اليار و در بخش شعرنويسنده (صباح) همکاري دارد.

نظام دنیا ميگويد: هر وقت که غمگينم ، هر وقت که شادم ، هر وقت که هيجان دارم به موسيقي گوش مي کنم. موسيقي گرد و خاک زنده گي روزانه را از روح و روان مي زدايد. انديشمندي ميگفت: علت اينکه ما از موسيقي خوشمان مي آيد اين است که در دنياي رؤياها و احلام خود فرو مي رويم ، طبابع عالي موسيقي را دوست مي دارند ليکن بهتر مي دانند که از آن به عنوان وسيله براي دخول در رؤياهاي خويش استفاده کنند.

يکي از استادان موسيقي معتقد بود: يکي از منابع ذيقيمت موسيقي هر کشور آهنگ ها و نغمات و ترانه هايي است که در نقاط مختلف آن ، بخصوص در دهات و قريه ها دور از شهر به وسيله مردم خوانده مي شود و چون اين نوع موسيقي کمتر تحت تاثير افکار مردم شهر نشين واقع شده، طبيعي تر و به موسيقي حقيقي و اصيل و قديمي آن کشور نزديکتر است؛ جمع آوري آنها علاوه بر اينکه باعث حفظ و نگهداري آنها است، کمکي هم به تحقيق درباره مختصات آن کشور مي کند و چگونگي و کيفيت آن معلوم مي شود.

آهنگ زيباي هزاره گي نظام دنيا:

ديتوشيشته بي کيل کيل موکوني

مه دل سوخته ره دل بي دل موکوني

همودستمال خامکوزي ره يار

دگردوني سفيد اميل موکوني -

اميل گردنيت لولو موکونه
چطور لولومني پیتوموکونه
گهي قارموکوني گاه نازي نازي
دل سبيل منده ره اوموکوني -

هواطوفان شده گردوغباره
گمانم بادميه بارون مباره
دعاکنم دعابه پيش خدا
تره خوب ترکده پيشم بياره.